

## ویژگی‌های عباد الرحمن در قرآن کریم (۲)

حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌الله فرحزاد\*

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»<sup>۱</sup>  
در جلسه قبل با برخی از ویژگی‌های عباد الرحمن از دیدگاه قرآن آشنا شدیم. در این جلسه نیز به ادامه بحث قبل پرداخته و برخی از ویژگی‌های دیگر عباد الرحمن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### ۵. میانه‌روی در انفاق

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۲</sup> و کسانی که زمان انفاق، اسراف و تنگ‌نظری نمی‌کنند و روشی بین آن دو را برمی‌گزینند.»  
بندگان رحمان همان‌گونه که در شب‌ها به عبادت می‌پردازند و درخواست رهایی از آتش جهنم را دارند، انفاق نیز می‌کنند و سخاوت را فراموش نمی‌کنند؛ نه از حد می‌گذرانند و نه سخت

---

\* از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. فرقان، آیه ۶۳.

۲. فرقان، آیه ۶۷.

می‌گیرند؛ بلکه حد وسط انفاق یعنی: احسان و سخاوت را اعمال می‌کنند. آیه هم به انفاق اشاره داشته و هم به اندازه انفاق اشاره دارد؛ که در آیات دیگر هم به آن پرداخته شده است؛ برای مثال در آیه ۲۳۶ سوره بقره می‌فرماید: «عَلَى الْمَوْسَى قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعاً الْمَعْرُوفِ؛ برای کسی که وسعت رزق دارد اندازه‌ای است و برای فقیر نیز اندازه‌ای شناخته شده است.» هم داراها و هم ندارها باید انفاق کنند و اصل انفاق را از یاد نبرند؛ اما کسی که خدا به او وسعت داده باید به اندازه‌ی وسع خود انفاق کند و کسی که درآمد کم دارد باید به اندازه‌ی شأن و شرایطی که خدا برای او فراهم کرده سخاوت داشته باشد! در بعضی از آیات دیگر این‌گونه آمده است: «وَ مَنْ قُدِّرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ؛<sup>۱</sup> کسی که رزقش مقدر شده از آن‌چه خدا به او داده انفاق می‌کند.» کسی که رزقش کم است به اندازه‌ی توانش انفاق کند؛ اگر چه نصف خرما و لیوانی آب باشد. در سوره مبارکه اسراء، آیه ۲۹ مشابه این صفت بیان شده است: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ؛ دستت را به گردنت نیند [که به هیچ‌کس انفاق نکنی]، هم‌چنین کاملاً باز نکن [که هر چه هست انفاق بشود].» اعتدال و میانه‌روی در همه‌ی کارها دستور اسلام است: «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا؛<sup>۲</sup> بهترین کارها میانه‌روی است.»

### ۶، ۷ و ۸. دوری از شرک، قتل و زنا

«وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا \* يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا؛<sup>۳</sup> و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! عذاب او در قیامت مضاعف می‌شود و همیشه با خواری در آن خواهد ماند.»

«اثم» به معنای گناه و کیفر است و آثار گناه را «اثام» گویند. خداوند در آیات قبلی، نکته‌های مثبت را بیان فرموده و در این آیات، صفات منفی را که نباید در بندگان باشد بیان می‌فرماید. سه گناه طبق آیات قرآن و روایات، عقوبت فوق‌العاده دارد و از بزرگ‌ترین گناهان است:

۱. طلاق، آیه ۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۱.

۳. فرقان، آیه ۶۸ - ۶۹.

۱. شرک به خدا: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا.»<sup>۱</sup> بر اساس این آیه، خدای متعال شرک را نمی‌بخشد؛ ولی غیر شرک را ممکن است ببخشد. مفسران در ذیل این آیه گفته‌اند: «غیر شرک، ممکن است بدون توبه آمرزیده شود؛ ولی تا کسی از شرک توبه نکند، خداوند آن را نمی‌آمرزد.»<sup>۲</sup> شرک به خدا به ظلم بزرگ تعبیر شده است.

۲ و ۳. قتل و زنا: بعد از شرک به خدا معمولاً غریزه غضب و شهوت بر انسان مسلط می‌شود. انسان، هنگام غضب ممکن است به دیگران تعدی کند و حتی مرتکب قتل نفس بشود. اگر غریزه جنسی و شهوت بر کسی غالب شود، مبتلا به زنا و روابط نامشروع می‌شود؛ که عقوبت این دو گناه بزرگ است. عباد الرحمن اعتقادات خودشان را حفظ می‌کنند تا مبتلا به شرک نشوند و نیز اعمال خود را حفظ می‌کنند و بر خود مسلط هستند؛ یعنی: بر غضب، شهوات و غریزه جنسی شان تسلط دارند تا به قتل نفس یا فحشا و منکر مبتلا نشوند.

آیه مبارکه می‌فرماید: «هرگز قتل نفسی که خدا حرام کرده انجام نمی‌دهند مگر به حق.» بعضی از موارد قتل نفس، حق و جایز است؛ برای مثال: قصاص. اگر کسی دیگری را کشته، قتل نفسش به حق است یا حکم کسی که زنا یا محارم کرده، قتل است. هم‌چنین حکم زنا یا کافر با زن مسلمان قتل است؛ حکم زناکاری که به زن، تجاوز به عنف (زور) کرده یا زنا یا محصنه یعنی: زنا یا کسی که همسر دارد، سنگسار است. هم‌چنین کسی که مدعی نبوت شده یا مسلمانی که ساحر است یا مفسد و محارب و یا کسانی که بر امام عادل خروج (شورش) کرده‌اند نیز حکمشان قتل است.

خداوند می‌فرماید: افرادی که مرتکب این‌گونه از گناهان بشوند، عقوبت آن‌ها در روز قیامت مضاعف خواهد بود و مدت طولانی یا برای ابد با حالت خواری و خفت در آتش جهنم خواهند ماند.

مضاعف شدن عذاب با عدل الهی منافاتی ندارد؛ چون بعضی از گناهان را «اکبر کبائر» یا «گناهان کبیره» معرفی کرده‌اند؛ مانند آن‌که کسی به شخصی صدمه‌ای بزند. مصدوم تا آخر عمر باید مشکلی را که از آن صدمه به او رسیده است، تحمل کند. قتل نفس مثل این است که امتی را

۱. نساء، آیه ۴۸.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۵۹.

کشته‌اید. قایبل که هابیل را کشت، نسلی را از بین برد؛ گناه بزرگی است که نسلی را از بین برده. چون این کار، بدعتی برای دیگران می‌شود که کشت و کشتار را یاد بگیرند. در زنا، حرام‌زاده‌ای به وجود می‌آید که ممکن است به جنایات بزرگی دست بزنند. کانون خانواده با زنا و فحشا از بین می‌رود و بدعت بزرگی در جامعه ایجاد می‌شود؛ لذا خدا عقوبت این‌گونه گناهان را چندبرابر و به حالت خفت و خواری در جهنم ماندن بیان فرموده است تا وسیله‌ی پیش‌گیری در جامعه برای پرهیز از این گناهان باشد.

خلود هم به معنای مدت طولانی آمده و هم به معنای ابدیت؛ اگر مؤمن باشد و با ایمان از دنیا برود، خلود ندارد اگر چه گناه کبیره انجام داده باشد؛ بلکه مدت کوتاهی برای پاک‌شدن در جهنم می‌ماند. وقتی پاک شود، از جهنم بیرون می‌رود. خدا نمی‌خواهد ما ناامید شویم. اگر کسی حتی شرک بورزد (که بدترین گناهان است) یا قتل نفس یا فحشا و منکری انجام بدهد، اگر توبه کند، خدا وی را می‌بخشد. زیرا خود می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup> جز کسی که توبه کند، ایمان بیاورد و عمل نیک انجام دهد. خداوند، گناهان آنان را به نیکی‌ها بدل می‌کند؛ که پروردگاری بخشنده و مهربان است.»

در اصول کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «از شگفتی‌های حکمت لقمان این بود که به پسرش گفت: اگر گناه تقلین انجام دادی، از خدا ناامید مباش. اگر عبادت تقلین هم انجام دادی، از مکر الهی ایمن مباش؛ یعنی: خوف خدا هم چنان در دلت باشد.»<sup>۲</sup> اگر کسی بالاترین جرم و جنایت را انجام داده، ولی می‌خواهد برگردد، باز هم قابل آمرزش است. حقیقت توبه، پشیمانی و جبران گذشته است. همراه با توبه باید ایمان نیز بیاورد و شرکی را که مرتکب شده بود، کنار بگذارد و عمل صالح انجام دهد. ایمان و عمل صالح، توأم است. توبه، ایمان و عمل صالح باعث قرب خدا می‌شود.

با این کار، خدای متعال نه فقط گناهان قبلی را می‌بخشد، بلکه سیئات او را نیز به حسنات تبدیل می‌کند؛ مثل این‌که بدی‌های کسی را که خلافی کرده، ورشکست شده و سرمایه‌اش به باد فنا رفته بپردازند و سپس به او سرمایه هم بدهند. تبدیل سیئات به حسنات، بالاتر از آمرزش است.

۱. فرقان، آیه ۷۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷.

خدا چراغ سبز برای برگشت گناهکاران روشن کرده است. این، مدال و جایزه بزرگی است که او به اهل توبه عنایت می‌کند؛ اگر برگردند، آن‌ها را هم نوازش می‌کند و هم سرمایه فراوان، درجه و مقام می‌دهد. خداوند، آمرزنده و مهربان است و توبه‌کنندگان را دوست دارد. اینان نیز محبوب خدا می‌شوند. چون دل شکسته و پشیمان‌اند. در آیه بعدی، خدا راه برگشت را محکم می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا؛ و هر کسی که توبه کند و عمل صالح انجام بدهد، توبه حقیقی کرده است.»

### علامت توبه

نشان توبه آن است که انسان اعمال ناشایست را با کارهای خوب جبران می‌کند؛ مثلاً اگر در مجالس گناه شرکت می‌کرد، حالا به مجالس نیک برود؛ باید آثار توبه در زندگی توبه‌کننده معلوم باشد. صرف این که کسی بگوید: توبه کردم، کافی نیست. قرآن می‌فرماید: «کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشتی پسندیده کرده و پاداشی که از خدا می‌گیرد، فوق العاده است.»<sup>۱</sup> در واقع، توبه‌کننده مهمان خدا است و بازگشتش به سوی او است. هیچ وقت، انسان نباید ناامید باشد! چیزی نزد خدا از این بالاتر نیست که مؤمن توبه کند. در روایتی نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتُوبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاحِلَتَهُ...»<sup>۲</sup> خداوند با توبه بنده‌ای که برمی‌گردد، بیش‌تر خوشحال می‌شود از کسی که در بیابان گم شده و تن به مردن داده سپس او را پیدا می‌کنند یا گمشده‌اش را پیدا می‌کند. یعنی: گویی حیات و عمری تازه به او داده می‌شود.

### ۹ و ۱۰. شرکت نکردن در مجالس باطل و انجام ندادن کارهای بیهوده

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛<sup>۳</sup> و کسانی که در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند و از کنار لغو و عمل بیهوده، کریمانه می‌گذرند.»

آن‌چه از عبارت «لَا يَشْهَدُونَ» استفاده می‌شود، این است که بندگان رحمان هیچ‌وقت در مجالس باطل و گناه شرکت نمی‌کنند و هیچ‌وقت به دروغ و باطل گواهی نمی‌دهند. کلمه «زور» به معنای دروغ و امر باطل است یا به معنای گواهی دادن به باطل و به هر کاری که حق‌نما است،

۱. فرقان، آیه ۷۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ۴۳۵.

۳. فرقان، آیه ۷۲.

ولی درونش باطل است. در بعضی روایات، زور به معنای غنا آمده؛ یعنی: بندگان خداوند در مجالس لهو و لعب و غنایی که حرام است یا در مجالسی که در آن، گناه و معصیت می‌شود، شرکت نمی‌کنند. اگر کسی گرفتار مجالسی شد که در آن‌ها لهو و لعب و رقاصی و طرب است، و مخصوص ارادل، اوباش و عیاش‌هاست، ولی برخاست و حالت اعتراض به خود گرفت، نهی از منکر کرده است.

نشانه‌ی دیگر مردان خدا آن است که هیچ‌گاه به ناحق شهادت نمی‌دهند.

بندگان رحمان هرگاه در مجالسی شرکت یا از محلی عبور کردند که لغو و بیهوده بود با بزرگواری از آنجا عبور می‌کنند. منظور از کلمه «لغو» که در آیات متعدد آمده، کلام باطل یا کار و حرف بیهوده و یا فحش و ناسزا و هر حرف یا عمل ناپسند است. در سوره مؤمنون آمده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ به‌راستی که ایمان‌آوردندگان، رستگارند... و کسانی که از کارهای بیهوده روی گردانند.» در سوره قصص، آیه ۵۵ آمده است: «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ؛ و چون لغوی بشنوند، از آن رو برمی‌تابند و می‌گویند: کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شما است. سلام بر شما؛ ما سزاوار جاهلین نیستیم.» اگر کسی به همین آیه عمل کند، همه عمرش بابرکت می‌شود. اگر همه، خود را با این آیه تطبیق دهیم، همه عمرها، حرف‌ها و مجالس مان مفید خواهد شد. معاشرت‌ها، جلسات و بگومگوهای بی‌فایده را تعطیل کنیم! امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَصْحَبْكَ مُعِينًا عَلَى نَفْسِكَ فَصَحْبَتُهُ وَبَالَ عَلَيْكَ إِنْ عَلِمْتَ؛ کسی که هم‌صحبت تو شود و برایت نفعی نداشته باشد، وزر و وبال برایت خواهد بود؛ اگر بدانی!» اگر به چنین جایی گذرمان افتاد، باید کریمانه وارد شویم و دعوا راه نیندازیم و با متانت به آن‌ها بفهمانیم که از ایشان دوری می‌کنیم. در واقع باید آنها را متوجه کنیم که این کار، شایسته نیست.

### ۱.۱. اقرار با بصیرت

«وَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُجُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَ عُمِيَانًا؛<sup>۲</sup> و کسانی که هر گاه متذکر آیات پروردگارشان شوند، کر و کور با آن برخورد نمی‌کنند.» منظور این آیه، منافقان هستند که حقیقت

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵۷.

۲. فرقان، آیه ۷۳.

آیات الهی را درک نمی‌کنند و با چشم و گوش بسته با آیات الهی روبه‌رو می‌شوند. روشن است که راه خدا را با چشم و گوش بسته نمی‌توان پیمود. زیان این افراد از زیان دشمن کم‌تر نیست. آری، بندگان راستین خدا با تفکر و چشم و گوش باز و بیداری، حق، قرآن و پیغمبر را می‌پذیرند؛ با چشم و دل باز به آسمان و زمین نگاه و به خدا اقرار می‌کنند. هم‌چنین در آیات قرآن تفکر می‌کنند و ایمان می‌آورند. در ضمن در پایان این آیه: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ»، «وَاجْعَلْنَا لِمُنْتَقِينَ إِمَامًا» ذکر شده است؛ یعنی: عباد الرحمن کسانی هستند که هرگز به این قانع نیستند که خود، تنها راه حق را بروند، بلکه همتشان آن‌چنان والا است که می‌خواهند پیشوای جمعیت مؤمنان باشند و دیگران را نیز به این راه دعوت کنند. آن‌ها چون زاهدان گوشه‌گیر و منزوی، تنها گلیم خویش را از آب بیرون نمی‌کشند، بلکه سعی‌شان این است که غریق را بگیرند<sup>۱</sup> به عبارت دیگر اینان خیرخواه مردم هستند. این امر، اهمیت خاصی دارد. قرآن از زبان حضرت نوح عليه السلام — که صدها سال امت خویش را به راه حق دعوت نمود و دلسوزانه در پی خیرخواهی آنان بود — چنین نقل می‌کند: «أَبْلُغْكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَأَنْصَحْ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی [از لطف و رحمت] می‌دانم که شما نمی‌دانید.» هم‌چنین حضرت فرمود: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»<sup>۳</sup> به راستی، بلندمرتبه‌ترین مردم در پیشگاه خداوند در قیامت کسی است که از همه تلاش بیش‌تری در خیرخواهی مردم کرده است.» راوی می‌گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم؛ حضرت فرمود: «اکنون شخصی بر شما وارد می‌شود که از اهل بهشت است.» پس مردی از انصار درحالی که آب وضو از محاسنش می‌چکید وارد شد و سلام کرد و مشغول نماز شد. فردای آن روز نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سخن را تکرار فرمود. باز همان مرد انصاری وارد شد و روز سوم نیز همین داستان تکرار شد. بعد از خارج شدن آن حضرت از مجلس، یکی از یاران به دنبال آن مرد انصاری رفت و سه شب در نزد او به سر برد، ولی از شب بیداری و عبادت [فراوان] چیزی ندید جز این که هنگام رفتن به رخت‌خواب ذکر خدا را می‌گفت و بعد می‌خوابید و برای نماز صبح بیدار می‌شد. بعد از سه شب، آن

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

۲. اعراف، آیه ۶۲.

۳. همان.

صحابی گفت: من از پیغمبر خدا ﷺ درباره تو چنین سخنی شنیدم، خواستم بفهمم که چه اعمال و عباداتی انجام می‌دهی که باعث شده پیامبر ﷺ تو را بهشتی بخواند؟ مرد انصاری در جواب گفت: غیر از آن چه دیدی از من بندگی [بیش‌تری] سر نمی‌زند جز آن‌که بر احدی از مسلمانان در خود غش و خیانتی نمی‌بینم و بر خیر و خوبی که خدای تعالی به او عنایت کرده، حسدی نمی‌ورزم [و در یک کلام خیرخواه مردم هستم]. آن صحابی گفت: این حالت است که تو را به این مرتبه [عالی] رسانده و این صفتی است که تحصیل آن از ما [و از هر کسی] بر نمی‌آید.<sup>۱</sup>

## ۱۲. تربیت فرزند و خانواده

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»<sup>۲</sup> آن‌ها که پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند: پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما شوند».

یکی دیگر از ویژگی‌های این مؤمنان راستین، آن است که توجه خاصی به تربیت فرزند و خانواده خویش دارند و برای خود در برابر آن‌ها مسئولیت فوق‌العاده‌ای قائلند. بدیهی است منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند، بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونیشان بر این امر و رمز تلاش و کوشش است. مسلماً، چنین افرادی آن‌چه در توان دارند در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آن‌ها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت فروگذار نمی‌کنند و در آنجا که دستشان نمی‌رسد، دست به دامن لطف پروردگار می‌زنند و دعا می‌کنند. اصولاً، هر دعای صحیحی باید این‌گونه باشد؛ یعنی: باید به مقدار توانایی تلاش کرد و خارج از مرز توانایی باید دعا کرد!<sup>۳</sup> درآیه دیگر می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»<sup>۴</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند نگاهدارید!» نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و

۱. مبلغان، مهر و آبان ۱۳۸۶، شماره ۹۶.

۲. فرقان، ۷۴.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۴. تحریم، آیه ۶.



مجلس سوم: ویژگی‌های عباد الرَّحمان در قرآن کریم (۲) ■ ۳۷

نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده؛ یعنی: از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز شود، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود.<sup>۱</sup>

امروزه، صنعتی شدن جوامع و کم‌رنگ شدن نقش والدین در تربیت فرزندان، مانع بزرگی در پرورش درست جوانان و نوجوانان به شمار می‌آید. این در حالی است که رسالت والدین در شرایط کنونی، سنگین‌تر شده است و نباید اجازه دهند فناوری‌های گوناگون رسانه‌ای، تربیت فرزندان‌شان را بر عهده گیرند. به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری شایع در میان قشر جوان مانند: فرار دختران، افزایش اعتیاد یا افزایش فحشا از ضعیف شدن نقش والدین در خانواده‌ها ناشی می‌شود..

یادآور می‌شویم: ازدیاد نسل، مورد توجه شرع مقدس است. علامه طباطبایی رحمته‌الله تکثیر نسل مسلمانان برای زدودن بنای شرک و فساد توسط آنان را از مهم‌ترین مقاصد شریعت ذکر کرده و فرموده است: «یکی از مهم‌ترین اهداف شارع مقدس اسلام افزایش نسل مسلمین و آبادانی زمین به دست جامعه اسلامی است؛ آبادانی و عمرانی که شرک و فساد را از زمین برچیده سازد.»<sup>۲</sup>

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷.

۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۸۹.